

جلسه یازدهم قانون عقل ۲

بانوی لطیف مقدر

قسمت دوم قانون عقل ، ناخودآگاه

با یاری خدا ، ائمه معصومین ، نفس پاک بهترین های جهان شروع می کنیم. خانم جباری : سلام ☐ بچه ها : سلام ☐ اوضاع و احوالتون چطوره ؟ ☐ خیلی عالی ☐ قراره چی تر بشیم ؟ ☐ روز به روز عالی تر ☐ متشکریم ☐ انگیزه زندگی کردنتون بیشتر شده ؟ ☐ بله ☐ خوشحال هستین که نیروی ناخودآگاه دارین ؟ ☐ بله ☐ باور داری می تونی با ناخودآگاهت زندگی بهتر بسازی ؟ ☐ بله ☐ از اینکه همه زندگی تون لای دستای خودتون هست خوشحالین ؟ ☐ بله ☐ یه خبر ! بچه های کلاس مجازی تقاضا کردن یه عکس دسته جمعی از دوستانی که با هم حضوری داریم ویس ضبط می کنیم بنذاریم ، تو کانال بذاریم بقیه بچه ها شما رو ببینن. ☐ نه خیر ☐ من چی بپوشم ؟ ☐ خانم جباری ما که هممون ماسک داریم و چادر ، هیچی مون معلوم نیست ، ان شاءالله عروسیتون ما شاگردا رو با هم دعوت کنید که با آرایش دیده بشیم .

☐ چشم حتما چون یکی از اعضامون این هفته نیست ، انشالله هفته آینده براتون عکس می فرستیم ، کیف بکنید . شما دوستانی که اینجا هستید خوشحال هستید که دارید با کار ضبط ویس به یاری حضرت مهدی می شتابید ؟ ☐ خیلی ☐ خوشحال هستید کارتون مورد توجه و دوستان دارن با حرکت شما قدمهاشون رو قوی تر می کنند ؟ ☐ بله ☐ خوشحال هستید که دارید باعث تغییر و تحول جهان می شید به سمت ظهور ؟ ☐ خیلی ☐ هر کدوم از شمایی هم که داری ویس رو گوش می کنی ، حرکتی که شما هم داری برمی داری سرعت دهنده ظهوره ، این فقط ما نیستیم که داریم کار می کنیم ، قدمهای شما ، هر پا رو نفسی که میداری برای رشد کردنت ، اون پا رو نفس تو اثری که داریم ما کار می کنیم ما را اضافه میکنه ، جهان رو اضافه میکنه ، غیر از اینکه اول خودتون رو داره اضافه میکنه . کسی تو زندگیش مثال داره از قدرت ناخودآگاه و تکرار ها ؟ ☐ من بگم ؟ ☐ بله ، اول اسم ، اسم کلاسی تون ☐ زینب نماز متمرکز : اتاق قبلی من پنجره اش زیاد نمای جالب و خوبی نداشت ، ولی همیشه خدا رو شکر می کردم بابت اینکه خوب یه نوری میاد ، بالاخره می توئم پنجره رو وا کنم یه هوایی میاد ، همیشه خیلی خدا رو شکر می کردم بابت این ، بعد از اون اتاق جدیدی که الان خونه جدیدمونیم ، اتاق رو بروی یه درخت خیلی بزرگ که هم خیلی هوا رو خوب کرده و نمای قشنگی داره ، هم انگار خونه پرنده هاست ، همیشه یه حال و هوای خیلی خوبی داره . ☐ یه تشویق ، آفرین ، منظره پنجره اتاق قبلیشو شکر کرده ، زیاد خوبیشو دیده ، تکرار تکرار کرده ، الان منظره پنجره اتاق جدیدش مثل شمال میمونه . ☐ چه جمله خوبی تکرار می کنی اونو قدرتمند می کنی با قدرت مثبت های تکراری بارش نعمت تو زندگیت میشه جاری

☐ یه نفر دیگه بگه

☐ من بگم ؟

☐ اسمت ؟ ☐ سمیه متقی ☐ متشکریم ☐ سمیه متقی : ما می خواستیم خونه بخریم ، بعد تو اون خیابون مورد نظرمون که خیلی دوست داشتیم هر جا می رفتیم خونه می دیدیم با پولمون بهمون یه طبقه چهارم

۶۰ متری ، یعنی ما روزی مثلا ۱۰ بار می رفتیم طبقه چهارم ، خونه می دیدیم بدون آسانسور و می اومدیم پایین ، بعد همیشه من می گفتم که ما مثلا تو بهترین جای این خیابون یه خونه بزرگ خوب دو خوابه طبقه اول ، دوم می خریم ، همه منو مسخره می کردن، ولی من گفتم حالا ببینید می خرم یا نه ، من قوی ترم یا شماها ؟ تکرارم زیاد بود ، شکر گزاری و اجرای قانون هم شروع کردم انجام دادن ، تا اینکه به یه خونه ای برخوردیم که به نسبت پولمون خونه های قدیمی ساز خرابه بهمون نشون می دادن طبقه چهارم ولی الحمدلله با این کارهایی که انجام دادم یه خونه ۸۵ متری دو خوابه خیلی دلپذیری که بازسازی کامل شده بود و طبقه دوم بود . ما تا وقتی که قرارداد بستیم هیچکس باورش نمیشد ، وقتی اومدن خونه رو دیدن گفتن ما اصلا باورمون نمیشه که تونستی یه همچین خونه ای رو بخری.

□ متشکر م ، یه تشویق

□ چه جمله خوبی تکرار می کنی

اونو قدرتمند می کنی

با قدرت مثبت های تکراری

بارش نعمت تو زندگی همیشه جاری

□ متشکر ، یه نفر دیگه □ مریم کلان خواه : ما هر وقت که می خواستیم جابجا شیم ، نزدیک سر سالمون میشد همسرم می گفت ما از هر جایی پاشدیم رفتیم خونه بعدی ، خیلی بهتر بوده ، اینقدر این حس رو نشون می داد و این جمله رو می گفت که واقعا هم از هر خونه ای پاشدیم خونه بعدی خیلی عالی تر و بهتر بود ، مثلا متراژ خونه قبلی مون ۸۵ متر بود ، خونه الانمون ۱۳۰ متره ، پارکینگ هم نداشت، الان پارکینگ داره ، حیاط خیلی عالی ، کوچه بهتر ، همه چی اون خیلی عالی بود .

□ یه تشویق

□ چه جمله خوبی تکرار می کنی

اونو قدرتمند می کنی

با قدرت مثبت های تکراری

بارش نعمت تو زندگی همیشه جاری

□ یه سوال ؟

□ بفرمایید.

□ اینکه در مورد چیزهای منفی هم که تکرار می کنیم بوجود میاد، مثلا زیاد میگیم پرخوری و پرخواهی بده، کم خوری و کم خوابی خیلی سخته ، بعد این برای آدم واقعا هم سخت میشه همینجوریه؟

□ بله ، چی بهشون بگیم؟چپو داری تکرار می کنی

منفی رو قدرتمند می کنی

با قدرت منفی های تکراری

هر چی که دوست نداری

تو زندگیت میشه جاری □ بجاش چی بگیم ؟ □ مثلا بگیم خدایا برام آسونش کن □ متشکرم □ اسممون رو بذاریم سحرخیز □ اسممون رو بذاریم سحرخیز □ اگه تونستم یه کمش رو انجام بدم حتما می تونم تا انتهایش برم . □ بله □ یا بگیم خوبه ، پیشرفتم خوب بوده ، از قبلم بهتر شدم . □ آفرین ، به افتخار همه اونایی که تلاش می کنند برای بهتر کردن خودشون .بریم سراغ دعا ، متمرکز یک دو ،سه

بسم الله الرحمن الرحيم

مهربان خدای من ،خالق قدرتمند من ،با دوستانت گرد هم آمده ایم ، تا محبت محبوب غریبت را در دلمان زیاد کنیم و جزو آنانی شویم ،که هر زمان ، مولای مهربان تر از پدرمان ، به ما می نگرد ، از وجودمان لذت برد ،الهی ما از تو می خواهیم جمعمان را یاری دهی با فکر و سخن و عمل مان وسیله ای شویم ، تا دوران انتظار ولی مان به پایان رسد و جزو قدرتمندانی باشیم که در زمان پادشاهی ایشان ، به او خدمت کنیم .

□سوره ی والعصر یک ،دو، سه بسم الله الرحمن الرحيم والعصر ان الانسان لفي خسر الا الذين آمنوا و عملوا الصالحات و تواصوا بالحق و تواصوا بالصبر

جمله یک ،دو ،سه روی زمین اومدیم ، با صفات قوی تر ،اجرای قانون عالی تر ،به هر چه می خواهیم ب ر سیمامتحانت اندازه توانت ، خودتو دست کم نگیر می تونی ، قوی شو □ متشکرم

□ یه جمله ای که ما اصلا توی تکرارهامون ازش استفاده نمی کنیم ، من عاشق خودمم ، از اینکه موثرم تو دنیا متشکرم ، تهش هم به خودمون عشق ورزی کنیم ، خودمون رو ماچ کنیم ، اصلا حالت خوندنمون حالت آهنگین باشه که داریم یه آهنگی به خودمون می گیم ، حرکتمون حرکت جذاب باشه، سرمون رو تگون بدیم ، بدنمون رو تگون بدیم ، قر نه ها ، خوشحالی از وجودمون ، از بودنمون □ صبح که بلند میشم از خواب می تونم چی به خودم تلقین بدم

□ من عاشق خودمم ، از اینکه موثرم ، تو دنیا متشکرم

□ وقتی یه کار خیر پیش میاد انجامش میدم چی به خودم بگم ؟

□ من عاشق خودمم ، از اینکه موثرم ، تو دنیا متشکرم

□ وقتی غذا درست می‌کنم ، با عشق ، واسه خانواده ام چی تلقین بدم ؟ □ من عاشق خودمم ، از اینکه موثرم ، تو دنیا متشکرم □ واقعا تشکر از همتون ، بریم سراغ درس . هفته پیش در مورد تفاوت عقل با ناخودآگاه گفتیم. ناخودآگاه چی بود ؟ تکرار زیاد یک پیامی ، چه ذهنی و چه کلامی. عقل چی بود ؟ تکرار زیاد قدرت خدا. قرآن خیلی جالب است ، در آیه های متفاوتی در قرآن دلیل اینکه آدمها جهنمی می‌شوند ، کافر می‌شوند ، این است که عقل نمی‌کردند ، تعقل نمی‌کردند.

اما تعقل کردن با تفکر کردن چه فرقی دارد ؟ تفکری که در روایات داریم : ۱ ساعت تفکر کردن ، ارزشش اندازه ۷۰ سال عبادت است ، با عقل چه فرقی دارد؟

فکر می‌کرد = ۷۰ سال عبادت.

عقل نکرد = جهنمی و کافر شد ، مگر بی عقلی چی هست که آدم را به جهنم می‌رساند ؟

آیه ۶۳ سوره عنکبوت : وقتی از آدمها می‌پرسند چه کسی زمین مرده را زنده کرد ؟ چه کسی باران فرستاد ؟ چه کسی ؟ همه می‌گویند خدا ، علم دارند ، اما اینها عقل نمی‌کنند ، تعقل نمی‌کنند ، تعقل نمی‌کنند یعنی چی ؟ اندیشه مداوم ندارند.

بچه ها کلمه « عقال » معنی آن می‌شود : بستن ، نگه داشتن ، مثلا : عقال به ریسمانی می‌گویند که با آن زانوی شتر را می‌بندند تا حرکت نکند.

اینکه « لَا يَعْقِلُونَ » ، « لَا تَعْقِلُونَ » داریم در قرآن ، اینها اندیشه نمی‌کردند ، اندیشه مداوم بر قدرت خدا ، که ذهن را نگهدارند ، ذهن را با آن ببندند ، هر چقدر بتوانی قدرت ذهنت را با تکرارها ، با تکرارها ، به قدرت خدا ، به آیات ، به اذکار ، ذهنت را نگهداری ، قدرت عقلت بیشتر می‌شود . عقل بهتر است بیشتر بشود یا ناخودآگاه ما بهتر است قوی شود ؟ خب معلوم است عقل بهتر است .

تفاوت قدرت عقل با قدرت ناخودآگاه قوی را ، که چرا عقل خیلی بهتر است ، اما ناخودآگاه قوی ، خیلی از جاها حتی ضرر رساننده است به رشد معنوی ما .

مثلا : به عنوان یک مثال کوچک ، خانمی که خیلی تکرار می‌کند : من پزشک می‌شوم ، پزشک می‌شوم ، پزشک می‌شوم ، ۵ سال پشت کنکور می‌ماند ، بلاخره قبول می‌شود ، ۵ سال هم می‌رود درس پزشکی می‌خواند ، یعنی ۱۰ سال عمرش می‌رود سر ناخودآگاه قوی اش ، بعد متوجه می‌شود اصلا ساخته نشده برای پزشکی ، علاقه های درون من چیز دیگری هست ، چی شد شما متوجه نشدی که این رشته به دردت نمی‌خورد ؟ عقل نکرد ، نمی‌نشست زیاد اندیشه به قدرت خدا کند ، چی شد ۱۰ سال عمرت را در راه پزشکی از دست دادی ؟ عقل نمی‌کرد ، اندیشه قوی به قدرت خدا نداشت ، در نتیجه با ناخودآگاه فقط آمد چیزی را که می‌خواست تلقین کرد ، محصول هم دریافت کرد ، پزشکی قبول شد ، پزشکی هم رفت ، درسش را هم خواند ، اما در انتها ، ۱۰ سالش تلف شد و متوجه شد اصلا به کار این رشته نمی‌آید ، و بعد آمد بیرون ، تکرار کردن یک سری از چیزها که ناخودآگاه ما قوی بشود ، یک جاهایی برای ما ضرر رساننده است ، ضررش را هفته آینده می‌گوئیم.

در حال حاضر ، عقل شد : تکرارهای فوق العاده زیاد ذهن مبنی بر قدرت خدا ، آیات و اذکار .

هفته پیش گفتیم : وقتی یک نفر زیاد تکرار می کند : الله اکبر ، الله اکبر ، خدا از همه چیز بزرگتر است ، بزرگتر است ، اتفاقی که در روح این آدم می افتد : ذات خود این آدم قوی می شود ، چرا ؟ تو تفکر کردی به قدرت خدا ، چرا تو قوی شدی؟

قانون جذب را یادتان هست ؟ ما از روی دوستانمان الگو می گیریم ، ویژگی های دوستانمان در درون ما نفوذ می کند ، شما اصلا به دوستت نگاه می کنی ، آن ویژگی های خوب دوستت درونت شروع می کند جاری شدن ، در اثر جذب ، الگو برداری کردن ...

یا مثلا : شما به رنگ صورتی خیلی علاقه داری ، رنگ صورتی زیاد می پوشی ، اثر انرژی رنگ صورتی ، شادی و هیجان است ، بعد شما بعد از یک مدت می بینی چقدر هیجانت زیاد شده ، این اثر چی هست ؟ جذب ، جذب چی ؟ رنگ صورتی زیاد استفاده کردی ، یک نفر زیاد تکرار می کند : چقدر پسرم چقدر خوش خلق است ، خوش خلق است ، خوش خلق است ، اصلا مرکز نگاهش شده خوش اخلاقی اطرافیان ، بعد یواش یواش خودش خوش اخلاق می شود .

بچه ها ایشان اصلا به خودش که تلقین خوش اخلاقی نمی داد ، نمی گفت مریم خوش اخلاق ، ایشان فقط آدم خوش اخلاق را

نگاه می کرد ، در اثر نگاه به آدم خوش اخلاق ، خودش دارد خوش اخلاق می شود .

قانون جذب : توجه شما به هر چیزی که برود آن در ذات شما تولید می شود ، حالا تو می گویی : الله اکبر ، توجه تو کجا رفته ؟ به قدرت خدا ، بعد حالا این قدرت را تو درون خودت می کنی ، یعنی چه اتفاقی می افتد ؟ تو داری بزرگ می شوی ، بعد تو می گویی : الله اکبر ، تو بزرگی یکی دیگر را ستایش می کنی ، تو داری به بزرگی یک خدای دیگری نگاه می کنی ، بعد چه اتفاقی در درون تو می افتد ؟ تو قدرت پیدا می کنی ، بعد می آیی قدرت خدا را تکرار می کنی ، حداقل در نماز روزی ۵۰ بار الله اکبر می گویی ، الله اکبر با توجه ، الله اکبری که ذهن و روح را درگیر می کند ، بعد قدرت پیدا می کنی ، حالا هر چی مداومتت به الله اکبر در ذهنت ، در روزت ، در ساعت های متمادی ... ایشان ۶ ساعت به الله اکبر فکر می کنند ، وای خدای من ، آخر مگر می شود؟ یکی ۶ ساعت بشیند به الله اکبر فکر کند ؟ حالا نه فقط ذکر الله اکبر ، به همه چیز الله اکبر . وای ۸ میلیارد آدم را داری رزق می دهی ؟ الله اکبر .

۸ میلیارد آدم ، خدایا تو جای خواب همه اینها را می دانی ؟ الله اکبر

۸ میلیارد آدم ، تو فکرهای همه اینها را می بینی ؟ الله اکبر

۸ میلیارد آدم تو صدای همه اینها را می شنوی؟ الله اکبر . خورشید ۱۰۰۰ برابر کره زمین است ؟ الله اکبر .

بعد خورشید جزو دست کوتوله های زمین است ؟ الله اکبر . روزانه ، ساعت‌های متمادی ، دارد به قدرت خدا فکر می کند ، بعد بچه ها ، روح این آدم چه قدرتی پیدا می کند ؟ دیگر هیچ موجودی را عددی محسوب نمی کند . رئیس اداره ظالم کیلویی چند است ؟ قدرت من از او بیشتر است . دولتمرد قدرتمند کیلویی چند است ؟ قدرت من از او بیشتر است . آمریکا و انگلیس کیلو چنده ؟ قدرت من از او بیشتر است . شما فکر می کنی امام خمینی چطوری یک نفره یک حکومت ۲۵۰۰ ساله را بیرون انداخت ؟ چه می شود زور یک آدم ، اینقدر قدرت پیدا می کند ؟ چه می شود حرف یک آدم اینقدر در جهان بُرش پیدا می کند ؟ عقل خودش را بسته به قدرت خدا ، با قدرت خدا می رود جلو . حدیث بخوانم برایتان ، روایت داریم : کسی که خودش را کم نگاه می کند ، قدرت را دست آدم قدرتمندها می بیند ، معنی اش یعنی چی ؟ کسی که در خودش ، خودش را کوچک نگاه می کند ، خودش را حقیر نگاه می کند ، برای خودش قدرت ، هویت در جهان هستی قائل نیست ، این آدم ، قدرت ، کار ، اثر زندگیش را از دولتمردانش می بیند . مثلا : موفقیت را در کانادا و آمریکا می بیند ، بهبود زندگیش را جای دیگری می بیند ، قدرت را دست رئیس اداره می بیند ، قدرت را دست آقای رئیسی و آقای روحانی می بیند . خب خانم جباری ، عزیز من ، واقعا قدرت دست اینها است دیگر ، آخر شما هم یک حرفی می زنی ها ، اینها قدرتمند نیستند ما قدرتمندیم ؟ اینها در جهان نمی توانند کاری انجام دهند ما در جهان می توانیم کاری کنیم؟ همین دیگر ، همین دیگر همین ، شما قدرت اصلی زندگیت را خودت نمی دانی ، شما قدرت اصلی جهان را خودت نمی دانی . چرا امام خمینی مرگ بر آمریکا ، مرگ بر انگلیس گذاشتند؟ مرگ بر آمریکا شخص نیست ، مرگ به قدرتمندی که می خواهد با قدرتش ، توانایی بقیه را محدود کند ، تو بیجا می کنی داری قدرت من را محدود می کنی ، به تو کی اجازه داده بیایی این تفکر را در من جاری بکنی که : قدرت تو در زندگی من از قدرت خودم بیشتر است ؟ می خواهی من را از تحریم و قیمت بازار و پایین بالا شدن دلار و قیمت گوشت و اجناس بترسانی ؟ وا مگر رزق من دست تو است ؟ باشد ، تو قیمت اجناس را ببر بالا ، اما عزیز من ، تو که زورت نمی رسد رزقی را که خداوند برای من مقدر کرده است از من کم کنی . خانم جباری ، یک حرفی می زنی ، ما قبلا که قیمت اجناس کمتر بود ، راحتتر موز در خانه ما بود ، میوه گران قیمت در خانه داشتیم ، اما الان به خاطر قیمت اجناس ، قیمت میوه ها ، قیمت هر چی ، رفته بالا ، سفره های ما کوچولو شده . خانم جباری ، سفره ما کوچک شده ، شرایط خرید ما سخت شده ، خب معنی اینها یعنی واقعا قدرت دست آنهاست . برویم سر آیه قرآن ، الان ثابت می کنم به شما ، صبر کنید چند لحظه ... آیه : « وَلَا تَدْعُ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُكَ وَلَا يَضُرُّكَ فَإِنْ فَعَلْتَ فَإِنَّكَ إِذَا مِنَ الظَّالِمِينَ » - آیه ۱۰۶ سوره یونس - معنی آن چه می شود ؟ کسی را صاحب نفع و ضررت نخوان ، اگر چنین کنی کسی را صاحب نفع یا ضرر خودت بدانی ، اینگونه تو خودت جزو ظالمین جهان هستی .

تو فکر کردی خدا چی را خلق کرده که به او می گوید اشرف مخلوقات ؟ تو فکر کردی قیمت تو چقدر است که به این راحتی نفع و ضررت را دست دیگران می گذاری .

بعد حالا ، تو اگر خودت بیایی فکر کنی نفع و ضرر من دست بقیه است ، چه اتفاقی می افتد ؟ تو خودت کمک کننده به ظلم در جهان هستی می شوی . بچه ها خیلی حرف وحشتناکی است .

یک بار از جلوی یک مغازه ای رد می شدیم ، این توت های خیلی بزرگ خوشمزه آبدار سفید ، تازه رسیده بود ، من به مامان گفتم که : مامان توت بخیریم ؟ مامان گفتند نه ، نوبره ، تازه رسیده ، قیمتش خیلی گران است ، الان نه ، بعداً قیمتش ارزانتر می شود بعداً می خریم ، من پذیرفتم ، نفعم را دست مادرم دیدم ، نفعم را دست مغازه دار دیدم ، رزقم را به میزان مبلغ پول آن توت دیدم ، یک چند دقیقه که رفتیم ، یهویی به خودم نهیب زدم : مریم ! مگر رزق تو دست مغازه دار است ؟ مگر رزق تو دست مادرت است ؟ مگر رزقت دست نرخ وسایل است ؟ بچه ! اینطوری فکر می کنی ، بقیه را صاحب نفع خودت می دانی ، داری به شبکه ظلم در جهان کمک می کنی ، می فهمی ؟ سریعاً فکرم را عوض کردم ، خدا صاحب رزق آدم است ، خدا رزق می رساند ، خدا به آدم رزق می دهد ، خدایا

□ ۳ خدایا من توت میخوام، توت درشت و آبدار شیرین؛ عصر اون روز دایی من زنگ زد گفت فردا قراره بریم کن سولوقون دوست دارم شما هم بیاین ما باهاشون رفتیم ، جلوی یه درخت توت بزرگی که توتای فوق العاده خوشگلتر از توتای اون مغازه دار بود . چادر گرفتیم با بچه ها انقدر توت خوردیم که هممون بیرون روی گرفتیم، بعد از این جنس مثال یکی دوتا نداریم، ماها دیگه الان تو زندگیمون الحمدالله به حول قوه ی خدا هر روز از این مثال ها داریم .

خدا توی قران تهدید وحشتناک کرده برمیگرده میگه نفعت را دست نرخ بازار نگاه بکنید تو جزء ظالمین جهان محسوب میشی ، چرا قدرت را بدست بقیه میبینی؟ قدرت تو دست خداست رزق رسون دست خداست ، ولی چون تو نگاه میکنی (بچه ها خیلی دقت کنید... خیلی دقت کنید) چون تو نگاه میکنی نفع تو دست اون قدرتمنده تو داری

(۱) به خودت ظلم میکنی و اون میوه دیگه برای تو نمیرسه، اون رزق دیگه به تو نمیرسه

(۲) تو داری با این تفکر زور قدرتمند هارو هم بالا میبری، زور ظالما را هم زیاد می کنی، مثلاً نگاه کنی توی ژاپن به محض اینکه قیمت یک چیزی گرون میشه همه مردم کشور با هم اون جنس رو نمی خرند!! مردمو ببین، مردم تعیین کننده زور ظالمهای کشورشونند ، تو بلیط اتوبوس گرون کردی، من استفاده نمیکنم انقدر استفاده نمیکنم که تو بیایی به پام بیفتی، بلیط اتوبوس رو از قبل هم کمتر کنی، اون موقع من حاضرم سوار شم. جانم آدم قدرتمند! جانم!! اسلام هم نداره مسلمان نیست، اما داره به خودش و اثر خودش نگاه میکنه، بعد جالبه کشور ژاپن جزء کشورهاییه که اصلاً رقم تورم نداره! بعد تو کشور ما به محض اینکه اعلام میکنند یه جنسی گرون شده دیگه اون جنس تو بازار نیست، اینقدر همه از ترسشون از آن جنس استفاده کردن که تازه قیمت ماورایی، بالاتر هم میره چرا؟ چرا؟ شما قدرت خدارو تو رزق رسوندن از قدرت نرخ بازار کوچکتتر محسوب می کنید ، مگه زور خدا مگه قدرت خدا از تمام آدمهای جهان توی زندگی شما بیشتر نیستش؟ خانم جباری نیست ، چرا؟ تمرین نمیکنی قدرت خدا را بزرگ کننده زندگیت کنی .

خانمی رو تو دوره داشتیم که شوهرش خیلی خسیس بود که نه بهش اجازه کار کردن میداد و نه حقوق و مزایا میداد هیچکدوم ، میگفت واسه خودش دو میلیون دو میلیون کتشلوار میخره واسه من در ۱۵ ساله یه دونه مانتو هم نخریده، خانم سر کلاس تازه متوجه شد اووووووه من چه گندی زدم به خودم!! من قدرت

رزق رسانی را دست شوهرم میدانستم، ای خدا.... و تو خدای قدرتمند من، تنها غیرتی زندگی من، میخواهی من قدرت رزق را فقط از تو بدانم.

میخواهی من فقط به تو تکیه داشته باشم و از هیچ چیز و هیچ کس جز تو حساب نبرم، و تو با تمام قدرت ناظر منی! خانم شروع کرد تلقینشو عوض کردن، یعنی چی نمیزاره اون کار کنی، پس رزق نداری، یعنی چی فکر میکنی همسرت پول نمیده رزق نداری، یعنی چی فکر میکنی چون خساست همسرت زیاده تو، تو منگنه ی رزقی قرار گرفتی، رزق رسون تو خداست، تو اینجوری فکر میکنی، ضرر خودت را دسته شوهرت میدانی، خودت جزء ظالمین جهانی!!

خانم شروع کرد برداشت تفکرش رو، عوض کرد، ناخودآگاهش را تغییر داد، شروع کرد به عقل کردن:

من تو رحم مادر نه ماه بودم کی رزق منو میداده، مادرم میتونست منو پرورش بده، مادرم میتونست یکی از سلولهای من را برای من بسازه، کی منو پرورش داده، از موقعی که تولد پیدا کردم شیر تو سینه مادر من، کی واسه من راحت کرد بتونم راحت بخورم، فکر منو قوی کرد تا بتونه شیر از سینه مادر بیرون بکشه بخوره، قورت بده، کی بدن من رو برای اون شیر آماده کرد....

هی شروع میکنه به قدرت خدا فکر کردن، نتیجه:

سر دو سه هفته خواهر ایشون که شاغل بوده ساعت اداریش زیاد میشه، بچه ای که مدرسه میبرده، دیگه ساعت کاری مدرسه هم کم میشه، مجبور میشه فرزندش رو ۵-۶ ساعت جایی بزاره، خوب بهتر از خواهرش کسیو پیدا نمیکنه به خواهرش میگه من بهت حقوق میدم، شوهر ایشونم بسیار بسیار بسیار تو رودربایسی، دیگه خواهرت دیگه خیلی هم به ما احترام میذاره و ما اصلاً نمیتونیم به خواهر شما بگیم نه، باشه دیگه بیاد، رزق با عزت رسیده واست، تو خونه خودش نشسته بچه خواهرش مثل بچه های خودش داره زندگی میکنه هیچ کاری هم به ایشون نداره حقوقم داره دریافت میکنه!!

۱۵ سال خودت را بیچاره کردی ۱۵ سال نفعت را دست دیگری دیدی ۱۵ سال خاک بر سر خودت کردی خودت را جزء ظالمین جهان کردی فقط واسه چی؟ فقط واسه اینکه عقلت را با قدرت خدا و قدرت رزق رسانی خدا بزرگ نکردی!

چرا به قدرت خدا نمیشینی فکر کنی، چرا قدرت عقلتو با فکر کردن به قدرت خدا بالا نمیری؟

بچه ها تو رو خدا فکر کنید یک کشوری تمام آدمهایش اصلاً فقط قدرت خدا را ناظر رزقشون میدونن، دولت اجناس گرون میکنه، اصلاً عین خیالشون نیست رزق منکه قراره برسه، از هزار جا هم قراره برسه، خیالش راحت و راحت!

فکر کن کارخانه داری که الان رقمی از اجناسش رو تحریم کردن نمیتونه جنس

بخره بریزه تو کارخونه ، کارخانه اش رو پرورش بده بزرگ تر بکنه بعد کارش کمتر میشه، بعد رزق کارگزارو نمیتونه بده، بعداین صاحب کارخانه صاحب، کارخانه ای که روزانه یکی دو ساعت با قدرت خدا عقلشو نگه میداره ،بعد عقل این آدم قوی شده در اثر اینکه قدرت عقلش زیاد شده، اصلاً تحریم را وسیله ای نمی داند که کارخانه شو قراره کمتر بکنه ،نه!!

اتفاقاً اینجوری فکر میکنه خدا قرار به رزق جدید تو زندگی من بیاره ،خدا اینو کم کرده، اینو قطع کرده میخواد از یه ور دیگه یه چیزی رو تو کارخونه ی من بیاره میخواد یه فکری رو تو کله من بندازه با آن جنس با آن کار کنه، کارخانه خودم کارایی فوق العاده بیشتر، رزق رسانی بیشتر واسه کارگرا داشته باشم، جانم آدم چیز فهم!!!! آدم واقعاً در دش میگیره

یه مثال جالب:

دختر خانومی میگفت که پدر من خسیسه و ما هیچ وقت غذای رستورانی نمی خوریم بعد خانم متوجه شد که |||.... داره خودش تو ذهن خودش پدرش و صاحب رزقش حساب میکنه ،شروع کرد قدرت خدا رو تو ذهنش بزرگ کردن: خدایی که رزق روزی میده ،خدایی که آدمو وسیع میکنه، خدایی که غذا رستورانی میخوای از خدا بخواه برا چی از بابات میخوای، بعد میگفت دیدم من یه پس اندازی دارم ۳۰۰-۴۰۰ هزار تومن، خودم میتونم زنگ بزنم غذای رستورانی سفارش بدم ،چرا زنگ نمیزنی فکر می کنی پولت کم میشه؟ خوب اگه تو فکر می کنی پولت کم میشه چرا بابات فکر نکنه پولش کم میشه!!

مگه ما دستور نداریم:

برای افزایش رزقت بخشش کن

مگه ما دستور نداریم برای افزایش رزقت از رزقت لذت ببر

مگه ما حدیث نداریم برای اینکه رزقت بیشتر بشه صدقه بده با اون پول برای دیگران خوشحالی درست کن، با پولت مهمونی بده رزقت زیاد میشه! خانمی گفت اینها چیزهایی بود که من به بابام تلقین میدادم به بابام می گفتم :که بابا جون نگران پولت نباش شما پولتو خرج کن بزار مهمون بیاد خونه ما، رزق ما وسیع میشه، پدر من نمیتونست، دیدم من خودم با این ۲۰۰ هزار تومانی که دستمه همین جوری دارم رفتار می کنم، دختر خانم شروع کرد با قدرت عقل در ذهن خودش من اینو خرج میکنم و تو قرار بیشتر ازین به من برسونی، من پدر و مادرم رو مهمون می کنم غذای رستورانی و خدایا تو حداقل ده برابر این پول و تو زندگی من برمیگردونی .بعد به پدرش اعلام کرد :

امشب مهمون من چون می خوام پولم برکت پیدا کنه، می خوام با قاعده های خدای قدرتمندم برم جلو ،نصف پولش رو پدر مادرش رو مهمون کرد، غذای رستورانی، بعد محصولش آخر هفته مهمان شد یک

سفر یک هفته ای، و جالب کسی که بردش مسافرت تماماً غذای رستورانی به ایشون میده، ناهار شام غذای رستوران

(۱) به غذا مهمونم کردی ۱۴ تا غذا مهمونت کردم

(۲) به سفر مجانی بهت دادم

(۳) لذت فوق العاده از همسفرات بهت دادم دختر خانم عاشق مرام خدا شد، خدایا چقدر با حالی تو، من فقط یک بار این حرکتو کردم، بعد شروع کرد (نه اینکه بخواد تو مهمونی زیاده روی بکنه) ولی به محض اینکه پولی دستش میومد، مبلغی از این پول رو صدقه بزاره، مبلغی از این پول رو هزینه کنه مهمون کنه، مبلغی از پولش هم پس انداز بکنه، یواش یواش دختر خانم توی خونه بدون کار ۷-۸ میلیون پس انداز... بعدایشون داره به پدرش آموزش میده

بابا جان پولت را ببخش.

خساست پدرش را داره درمان میکنه با قدرت عقلی که تو خودش داره جاری میکنه، داره ویژگی منفی اطرافیانش را هم مداوا میکنه. واقعاً باید به ایشون بگی

ماشالله، آفرین!!!

بچه ها ما کشوری هستیم که پیشتاز ساختن جامعه جهانی ظهور میسیم و این اتفاق زمانی میافته که تک تک آدمهای این کشور قدرت خدا را بالاتر از هر قدرت تو وجود خودشان کشیده باشند، فقط باور داشته باشی به چه دردت میخوره!! اینقدر تو باید توی زندگی به اجرا گذاشته باشی، ساعت ها بشین قدرت خدا رو فکر کن، ذهنتو ساعت ها به قدرت خدا نگهدار، اصلاً تو هرچقدر بتونی قدرت خدا رو بیشتر باور کنی هم زور قدرتمندا رو تو زندگی داری کم میکنی، هم خیالت راحتتره، هم داری دارایی خودت رو وسیعتر می کنی،

قدرت خدا را تکرار کن روح قدرت بگیره،

با قدرت تعقل دارائیت وسعت بگیره ماشاءالله

این مثال ها رو عمیق بخونین.

ویس_قدرت_خدا_رو_تکرار

○ داره ملک میفروشه نگرانه که نکنه گران شه یهو میفهمه ای وای داره با تکرار هاش گرونی رو تو ذهن خودش بزرگ میکنه عوضش میکنه به خودش میگه خدایی که تا حالا بهم رزق داده خدایی که همیشه حواسش بهم بوده مرتب داره خدا رو تو ذهنش بزرگ میکنه که خدایی که تا الان من رو حمایت کرده الان هم میکنه با تکرار تکرار شرایط طوری میشه که خریدار خورش و فروشنده ی خانه ی جدید هر دو توی یک روز، یک ساعت قرار داد رو می نویسند

□ قدرت خدارو تکرار کن روح قدرت بگیره با قدرت تعقل دارایی ات وسعت بگیره ماشالا

○ چند بار نگران رزق و روزی بچه ی سومش بوده شروع میکنه خدا واسه هر آدم رزق جدید چقدر کرده اخ جوننن با بچه ی بعدی رزق بیش تر، بچه ی بیشتر هم در آمدن ماشین جدید به اسمش هم افزایش حقوق هم برادر زنش از ملک پدر زنش بلند میشه و پدر زنش اسرار میکنه حالا شما بیاید چند سالی اینجا بنشینید تا بتوانید خودتون خونه بخرید

□ قدرت خدارو تکرار کن روح قدرت بگیره با قدرت تعقل دارایی ات وسعت بگیره ماشالا

○ هفت ماهه باردار بوده از پله ها پرت میشه از هشت تا پله شروع میکنه قدرت خدا رو تو ذهنش بزرگ کردن خدایی که آدم رو آفریده حواسش به بچم هست خدا محافظت میکنه بچم رو تازه هفته ی بعدش هم کرونا میگیره اما باز به خودش تلقین میده ماشالا چه بچه ای قراره دنیا بیاد انقدر تکرار های خودش رو میکنه وقتی بچش به دنیا میاد الحمدالله سالم

□ قدرت خدارو تکرار کن روح قدرت بگیره با قدرت تعقل دارایی ات وسعت بگیره ماشالا

○ فشار برنامه های کاری تز دکتراش نوزاد ۶ ماهش بی قراری شروع میکنه نمیخوابه ۴ ساعت وقت داشته نوزادش هم شروع میکنه کلنجار رفتن باهاش شروع میکنه تکرار کردن به جای اینکه بگه چرا اینجوری شد، وای نمیرسم به برنامه برعکس خدا همیشه هوای منو داشته منو حمایت کرده الان هم خدا چیده کنار هم تا من رو قوی بکنه داره من رو امتحان میکنه من همیشه با حمایت خدا امتیاز گرفتم همیشه خدا پشتم بوده در لحظه دخترش خوابش میبره ۵ ساعت بکوب کارهش رو میکنه

□ قدرت خدارو تکرار کن روح قدرت بگیره با قدرت تعقل دارایی ات وسعت بگیره ماشالا

○ بیماری حساسیت و آلرژی فصلی به گروه بهاری داشته همش میگه وای بهار شروع شد حتما باید آمپول بزنم تا خوب بشم یهو متوجه تکرار هاش میشه عوضش میکنه

میگه خدا بدن هر کی رو مناسب شرایط آفریده خدا با همه ی قدرتش راه های سلامت بدنم رو میش رو میگذارد با یک پزشک طب سنتی آشنا میشه با یک مدل خاص درمانش میکنه خوب خوب میشه

□ قدرت خدارو تکرار کن روح قدرت بگیره با قدرت تعقل دارایی ات وسعت بگیره ماشالا

○ مهمون می رسه وقت نداشته بیشتر غذا درست بکنه شروع میکنه خدای من رازقه خدا حواسش به من هست خدا وقتی مهمون میرسونه ررقش رو هم میرسونه وقتی که مهمون میرسه بچه ی مهمون شروع میکنه گریه گریه که توی راه سیب زمینی سرخ کرده دیدیم هوس کردم خانم میاد سیب زمینی درست کنه شوهرش میگه من درست میکنم منم هوس کردم نتیجه ۱ کیلو سیب زمینی سرخ کرده آقا درست میکنه قبل شام میخورن تازه شام اضافه هم میاد

□ قدرت خدارو تکرار کن روح قدرت بگیره با قدرت تعقل دارایی ات وسعت بگیره ماشالا

○ آقای نخبه ی فیزیک در امتحان دکترا برای کنکور جواب سوال ها از یادش میره شروع میکنه به قدرت خدا تکیه میکنه قدرتی که آسمون خلقتشه زمین با این وسعت رو میچرخونه هر تضمینی برای آینده ی من رفته به تفعمه کنکور قبول نمیشه اما با مردی آشنا میشه که در اثر دو تا اختراع و انتها دو تا شرکت میزنن کارخونه میزنن وضع مالیش عالی میشه

□ قدرت خدارو تکرار کن روح قدرت بگیره با قدرت تعقل دارایی ات وسعت بگیره ماشالا

○ توی شرایط اقتصادی قصد ازدواج داشته همه میگفتند چه جرئتی داری تو این شرایط اقتصادی کسی بهت زن نمیده میگفته خدا گفته بخاطر شرایط اقتصاد بیخیال ازدواج نشید من تکیه ام به خداست کسی که من رو خلق کرده حواسش به همسرم هست کسی که من رو خلق کرده حواسش هست به من زنی بده که اصلا متوقع نباشه و جالب اینکه زنش اینقدر متوقع نیست که خودشم باورش نمیشه

□ قدرت خدارو تکرار کن روح قدرت بگیره با قدرت تعقل دارایی ات وسعت بگیره ماشالا

از امام کاظم داریم: همانگونه که قوام جسم زنده هست به جان زنده هست به روح درونت زنده هست قوام دین قوام اخلاص قوام نیت پاک فقط با عقل حاصل میشود. یعنی هرچقدر عقلت بیشتر بشود اخلاصت بیشتر میشود عزیز من! به من میگوید: خانم جباری عاشق اینم آدم مخلصی باشم کار فقط برای رضای خدا انجام بدهم هیچ چیزی غیر از رضای خدا برام مهم نباشد. به او میگویم: خوب چقدر روزانه می نشینی تفکر میکنی به قدرت خدا؟ کمی فکر میکند میگوید: هاااااا! جان! خانم جباری به چه فکر کنم؟ اصلاً قدرت خدا چه هست؟ یعنی چه بنشین عقل کن به قدرت خدا؟ یعنی انگار تو از مریخ داری برایش صحبت می کنی اصلاً تا حالا یک همچین مقوله ای به گوشش نخورده، اصلاً انگار تو کشور اسلامی زندگی نمی کنی. به من میگوید: خانم جباری دادگاه داریم همسرم دارد تهمت میزند به من دارد من را خراب میکند چه جوری بتوانم هم به تهمت هایی که دارد میزند صبر کنم و هم بتوانم در دادگاه پیروز بشوم؟ خوب راه کار ما این است: بنشین به قدرت خدا عقل کن زمان بگذار روزی یک ساعت، یک ساعت زورت نمی رسد ۵ دقیقه، ۵ دقیقه، ۱۲ بار در طول روز ۵ دقیقه ای بنشین مرتب فکر کن به قدرت خدا، زور خدا از هر کسی بیشتر است، خداست که با تمام قدرتش تمام آدمها زیر نفوذش هستند رگ و پوست و فکر هر آدمی دارد با قدرت خدا کار میکند هیچ آدمی هیچ قدرتی از خودش ندارد مگر قدرت خدا.

این آدم این حرف را به من زد خدا اجازه داد به او که بگوید و گرنه خودش به تنهایی قدرت این را نداشت که این جمله را به من بگوید ، این آدم دارد به من ضرر می رساند خدا به او اجازه داده قرار است به وسیله ی این ضرر من خوب فکر کنم قدرت خدا را ببینم یک اتفاق خیلی بهتر در زندگی من بیفتد. یک نفر دیگری غیبت کرده یک گناه بزرگی انجام داده بجای اینکه بنشیند و مرتب خودش را سرزنش کند اول استغفار کرده بعد با تمام وجودش خودش را وصل کرده به قدرت خدا،خدایی که آسمانها مال تو است، خدایی که کل خلقت جهان برای تو است،خدایی که قدرتت این است از نفس من به من نزدیکتری ،تو میتوانی به من این قدرت را بدهی که بتوانم حریف خودم بشوم ،خدایی که تمام سلولهای جهان راتو داری به حرکت در می آوری، تمام موج های دنیا راتو داری می سازی، تمام اتفاقاتی خوب آدمها راتو داری برایشان رقم میزنی ،خدایا تو این قدرت را داری در سلول های من دخل و تصرف کنی وقتی می خواهم خطایم را انجام بدهم جلویم مانع بوجود بیاوری نگذاری ،قدرت تو بالا تر از قدرت من است ،تو با همه ی وجودت و همه ی قدرتت به حمایت من بشتاب ،خدایا من را آبی و کمتر از آبی به خودم واگذار نکن نگذار من با نفسم تنها بمانم. بعد در اثر قدرت خدایی که دارد به آن فکر می کند پردازش ذهنی میکند یک دفعه ای دو تا دوست خدا میگذارد سر راهش که این دو تا دوست از غیبت متنفرند مرتب هم تا این خانم می آید غیبت بکند به او اعلام می کنند: اُ اُ پاشو برو به خودش بگو! ببین غیبت میکنی ما زنگ میزنیم به طرف مقابل میگوییم که فلانی این حرف را زده است .ما نمیخواهیم رزق و روزیمان کم بشود ما خانوادگی غیبت نمیکنیم شما هم موقعی که کنار ما هستی این کار را نکن. در اثر دوستی با این دو تا کلاً غیبت ۱۷ و ۱۸ ساله اش را کنار میگذارد.

حالا سوال:وقتی قدرت خدا راه گشایی زندگی ماست، وقتی نعمتی بالاتر از عقل وجود ندارد وقتی برای اخلاص تو باید بنشینی و عقل کنی چرا زمان اندیشیدن به قدرت خداوند و آیات کم است؟

آقا نخبه ی فیزیک، بین المللی، ۴ بار خودکشی کرده چون دختری را که دوست دارد خانواده اش اجازه نمیدهند و مرتب دارد تکرار میکند بابام نگذاشت خوشبخت بشوم، مادرم مرا مقایسه می کرد با دیگران، هیچ کس حرف هایم را جدی نمی گرفت، اصلاً نمی خواهند نسل بعدی از من وجود داشته باشد، راحت تر هستم که بمیرم. بعد الان با این هوش اهل مشروب و سیگار و مرتب هم تکرار های منفی شدید!یعنی واقعا آقای نخبه ی فیزیک بین الملل شما ننشستی عقل کنی به قدرت خدا فکر کنی کسی رزق من نباشد هیچ کس در دنیا نمی تواند وسیله بشود من به او برسم.

مگر ما حدیث نداریم: اگر تمام آدم های دنیا جمع بشوند بخواهند چیزی را به تو بدهند که رزق تو نباشد ،نمی توانند به تو بدهند و برعکس اگر تمام آدمهای دنیا جمع بشوند بخواهند رزقی را از تو بگیرند که آن رزق برای تو باشد همه ایشان جمع بشوند نمی توانند سر سوزن ذره ای از آن کم بکنند.

بعد توننشستی به این فکر کنی؟ ننشستی در زندگی عقل کنی به این که اگر این لقمه غذا را خوردم تمام آدم های دنیا هم جمع می شدند این لقمه را از من بگیرند نمی توانستند. عقل نکردی بعد الان فکر می کنی هر دختری را که دوست داشتی می توانستی با او ازدواج کنی،عقل نکردی فکر کردی جهان هر کی

هرکی هست ، عقل نکردی پدر و مادر و آن دختر خانم را وسیله ی نفع خودت دانستی حالا ظالم شدی !هم ظلم به خودت داری میکنی ، هم ظلم به پدر

ظلم به اون دختر خانوم کردی ، تو مدت زمان این چند سال وقت دختر خانوم رو تلف کردی ، بعد اصلاً رزق آن آدم نبودی .

آقای حافظ یک شعر خیلی قشنگ دارند که می گویند:

« بشنو این نکته که خود را ز غم آزاده کنی

خون خوری گر طلب روزی ننهاده کنی □

اگر یک رزقی مال تو نباشد اصرار داشته باشی برای آن رزق، ببین پدرت در می آید به آن رزق نمی رسی و برعکس میخواهی آزاد و رها باشی در زندگی طلب رزقی که مال تو نیست را نکن صدمه اش را خودت میخوری و خودت جزء ظالمین دنیا می شوی . عزیز های من ، اصلاً یکی از برنامه های زندگی ما باید این باشد ساعاتی را برای تفکر به قدرت خدا ، تفکر به آیات، تفکر به ذکر ، برای خودمان برداریم آخر وقتی گشایش زندگی تو با عقل، اخلاص تو با عقل است ، درآمد تو بستگی به عقل تو است، زور تو در جهان بسته به عقل تو است، نفع و ضرر تو دست عقل توست، آخر وقتی انقدر عقل محصول دارد در زندگی ما ، چرا برای کارمان ۷_۸ ساعت زمان میگذاریم برای عقل مان زمان نمیگذاریم . چرا برای نماز خواندن زمان میگذاری برای عقل کردن چرا زمان نمیگذاری؟! البته خود نماز جزو عقل کردن محسوب میشود خدا یک برنامه برای ما ترتیب داده که بتوانیم با نماز عقل خودمان را قوی بکنیم یا برای عقل کردن خیلی هم نیازی نیست یک گوشه بنشیننی عقل کنی تنها باشی عقل کنی نه وسط اتفاقات هم می توانی عقل کنی مثلاً همین الان ما یک بچه کوچولوی دو ماه و نیمه خانه یمان داریم نوزاد، خاله ی من دارد شام درست میکند بخاطر اینکه در ویس هیچ صدایی نیاید خاله در آشپز خانه را بسته، زنداداش در اتاق را کاملاً بسته ، خیلی مراقب هستند تا ویس ضبط بشود خوب تو بیا عقل کن وسط اتفاق قدرت خدا را نگاه کن این قدرت خداست که همه چیز را دارد برای من طراحی می کند تا من بتوانم ضبط ویسم را کامل انجام بدهم . این طوری در لحظه شماها میتوانید از قدرت خدا بهره برداری کنید و عقل را با قدرت خدا بالا ببرید درجه ی عقل را افزایش بدهید مثلاً از حضرت علی جانم فدایش داریم که :تعجب می کنم از کسی که دنیا ی زیاد می خواهد ذکر لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم را نمی گوید، تعجب می کنم از کسی که آخرت زیاد می خواهد ذکر لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم را نمی گوید . این حدیث بود حالا یا علی جان مگر ذکر لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم مگر چکار می کند این ذکر ؟ بچه ها تفکر کردن به این ذکر قدرت ذهنی را خیلی بالا می برد همه ی قدرت را منحصر به قدرت خدا می کند هر جنبشی را از خدا می داند ، هر اتفاق و نیرویی را به نیروی مرکزیت خدا نگاه می کند بعد چون تمام اتفاقات اطراف را وصل میکند به قدرت بینهایت خدا دارد ذهنت با این ذکر و توجه کامل به این ذکر دارد ذهنت قدرت پیدا می کند و هر چقدر در طول روز لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم را زیادتر تکرار کنی رسیدن به دنیا و آخرت شما سریعتر.

خانمی را داشتیم که میگفت: خانم جباری الان دو سال است خانه یمان دست یک بساز بفروشی بوده بعد خانه یمان ساخته شده تمام شده دو ساله خانه را تحویل ما نمی دهند ما هم داریم بابت مستاجر نشستن آسیب میبینیم ضرر می کنیم ولی خوب نمیدانیم هم چه کار کنیم؟ ما به ایشان گفتیم: شروع کن ذکر لاحول ولا قوه الا بالله را زیاد تکرار کردن با تعداد زیاد بگو. ایشان شروع کرد یک هفته نشد آمد سر کلاس گفت: خانم جباری تشکر مچکر از لطفت خانه را تحویل گرفتیم الان هم در خانه یمان نشستیم. پرسیدیم: چطوری؟ چه اتفاقی افتاده؟ گفت: هیچ چی، دو نفر از کسانی که در آن ساختمان بودند به نفع ما زنگ زدند به شوهرم و گفتند همین الان پاشو بیا چند تا از وسایل هایت هم بردار بیار بزار در خانه، دیگر شوهر من رفته یک سری از وسایل هم بار تاکسی کردیم رفتیم بعد شوهر من زنگ زده به همسایه روبرویی به او هم گفته پاشو وسایل هایت را بیاور دیگر با همدیگر زورمان با هم رسیده که صاحب ملک را مجاب کنیم که خانه ها را تحویل بدهد. اثر چه بود این اتفاق؟ قدرت عقل و قدرت ناخودآگاه!

آقای دیگری هر موقع که می نشست در ماشین پیکانش، لاحول ولا قوه الا بالله برای ماشینش می خوانده و اینکه خدایا همه ی رزق ها دست توست، بعد خیلی به (لا حول ولا قوه الا بالله) فکر میکرده ،

آقای بهش لبخند میزده و ایشون سریعا در ذهنشون میگفتند لا حول ولا قوه الا بالله خدایا به نیروی تو یک نفر به من لبخند زد. حقوق میگرفته میگفته لا حول ولا قوه الا بالله این حقوق رو خدایا تو به من داری میرسونی.. بعد میگه خانم جباری عجیب مال من پربرکته ، خیلی سریع دارم تو دنیا به خیلی چیزها میرسم ، من خودم فکر میکردم دوازده سیزده سال دیگه صاحب شرکت بشم ولی الان صاحب شرکتیم.

■ این ذکر کمک میکنه تا تمام قدرت هارو دست خالق ببینی و کسی را صاحب قدرت نبینی و در اثر اینکه انقدر صحبت را صاحب قدرت میبینی در اثر این وجود تو داره تو کره زمین استثنایی اهل جذب رزق میشه..

شما با ذکر ها داری دستو پای ذهنت را قدرتمند میکنی .

■ وقتی ذکر ها را در طول روز با توجه ، بچه ها با توجه ، اصلا ما روایت داریم : هر ذکر به اندازه ای که شما توجه داری میکنی ارزشمند ،

یعنی اگر شما داری لاحول ولا قوه الا بالله رو میگی بدون هیچ گونه تمرکز و توجهی هیچ ارزشی نداره.. ولی اگر داری میگی با توجه و تمرکز خیلی اثر داره ، ذکر ها دقیقا ناخودآگاه رو فعال میکنند .

پدر من یکم زانو درد گرفته بود ، مامان من بهشون گفتش که من شنیدم که نخود خوردن ، نخود پخته برای زانو درد خیلی خوبه ، پدر من گفتن پس خیلی خب به آبگوشت درست کن توش نخود فراون که بخورم وزانو دردم بهتر شده و تلقین اینکه از موقعی که آبگوشته برپا شد ، تلقین اینکه خب بخورمش زانوم بهتر خوب میشه ، بخورمش زانوم خوب میشه ، بخورمش زانوم بهتر میشه ...

و هنوز ۱۰ دقیقه از خوردن آبگوشت نگذشته بود که بابای من بلند میشد راه میرفت توی اتاق و میگفت نگاه کن نگاه کن چقدر پام بهتر شده..

ماها میخندیدم میگفتیم بابا هنوز ۱۰ دقیقه هضم هم نشده چجوری تونست اثر هزاره روی زانوی شما؟؟!!
ولی پدر من باور داشت با تکرار ناخودآگاه خودش این نخوده روی زانوش اثر میزاره و رسماً اثر هم دید.

این قدرت ناخودآگاه.

■ حالا اگر ایشون میومد با نخودِ ذکر ((السلام ۱۳۱)) بار رو هم روی زانوش میخوند ، ما روایت داریم : هر جایی از بدنتون درد میکنه دستتونو بزارید روش ذکر السلام به معنی : ((سلامتی ، امنیت)) ۱۳۱ بار بخونید .

اگر پدر من این کار رو هم میکرد هم زمان با این نوع طرز تفکر که خدا این نخوده رو وسیله قرار داد پای من رو بهتر کنه ، خداس که توی هر مواد غذایی یه نعمتی رو برای ما گذاشته برای یه جای بدن ما مفیده ، این هم برای پای من مفیده .

خدا با تمام قدرتش اینو برای من سازگار کرد و سلامت به من هدیه داد اینطوری دستو پای عقل پدر من هم قوی تر میشد.

■ یا مثلاً آیه الکرسی ، از ائمه سفارش شده اصلاً مدام بخونید ، انقدری که این اثر داره توی زندگیتون □□ برای جذب نعمت ، برای رزق ، برای گشایش اتفاق ، فوق العاده اثر دارد.

یکی از ائمه میفرمایند اگر کسی آثار آیه الکرسی را میدانست از صبح تا شب مدام ورد زبانش بود.
(البته ورد با توجه)).

■ با مثلاً بین دو نفر اختلافه ، ((۱۱ بار یا جامع) بخون.

■ یا میخوای محبت خانواده بهم دیگه زیاد بشه ، غذا که درست میکنی ((ذکر یا ودود ۱۰۰ بار)) به غذا بخون.

■ یا داری میری کاری وانجام بدی ، میخوای کارت سریع و آسون بره جلو ، ((ذکر یا مُیسِر : ای آسان کننده)) را زیاد تکرار کن.

□ از کتاب دو هزار و یک ختم خیلی راحت میتونید اذکار رو پیدا کنید ، مثلاً :

■ □ توی کاری سرگردانی نمیدونی چیکار کنی ؟؟

ذکر آرَشید رو هزار مرتبه تکرار کن.

این ذکر ها چیکار میکنند؟؟

ذهن را قدرت میدهد.

مثلا: ذکر یا جامع : ای جمع کننده ،

خدارو به جمع کنندگیش یاد میکنی ، ذهن تو که روی جمع کنندگیه قدرت خدا داره قدرت پیدا میکنه..

یعنی شما به وسیله ذهن خودت داری از قدرت خدا استفاده میکنی ..

بچه ها؟؟ قدرت خدا برای هرکسی به یک اندازه استفاده میشه.

شما فرض کنید قدرت خدا ۱۰۰ میلیارد ، یک نفر از قدرت خدا توی زندگیش ۱ دانه استفاده میکنه.

یک نفر از قدرت خدا ۱۰۰ میلیون استفاده میکنه .

یک نفر از قدرت خدا ۱ میلیارد استفاده میکنه.

هر کس به اندازه ای که داره به قدرت خدا و اذکار توجه میکنه میتونه ازون قدرت ، بهره برداری کنه .

زمان قدیم ، شخص بزرگی بود که با قدرت عقل و قدرت خدا تو وجود خودش یک سری قدرت های خارق العاده پیدا کرده بود ، چند نفر میخواستن برن مسافرت میان پیش ایشون و میگن که (آقای ابوالحسن خرقانی) آقای خرقانی ما میخوایم بریم مسافرت نگرانیم کاروانمون رو دزد نزنه بهش ، شما یه ذکری چیزی یاد ما بده که دزد اومد به کاروانمون بزنه ما اون ذکرو بگیریم در امان بمونیم ، آقای ابوالحسن خرقانی بهشون میگه :تا دزد به کاروانتون زد شما خدارو قسم بدید بگید خدایا به خاطر ابوالحسن خرقانی مارو از این دزدها نجات بده، این ذکرو بگید.

این هاحالا شما بیاید پیش من برگردید بگید خانم جباری ما داریم میریم یه سفر ، میخوایم مال و تجاره خیلی زیاد ، ماشین بار کنیم گمرکی بیاریم ایران شما یک ذکر یاد ما بده که تمام اموال ما اظافه بشه من برگردم بگم که برگرد بگو خدایا منو بخاطر خانم جباری نجات بده شما اولین تصویرت اینه این خانم جباری عجب آدم مغروریه ها ، ما ذکر خواستیم داره خودشو میاد واسطه میکنه .

خلاصه این گروه رفتن کاروان راه افتاد وسط راه دزد بهشون زد ،تمام مال و تجاره □□ رو هم برد همه ی این آدم ها هرچی خدارو قسم دادند مال مارو حفظ کن حفظ نشد آخر که همه ی مال ها شتر ها اسب ها دست دزدها غارت شد ، دزدها رفتن مردای کاروان یهو دیدند که ععهه یکی از اعضای کاروان با مالو تجاره اسب و شتر یهو وسط کاروان ظاهر شد ، گفتند که کجا بودی؟؟؟

گفتند همینجا بودم.

گفتند پس چرا ما تا حالا تورو نمیدیدیم؟؟

گفت آخه من لحظه ای که دزد به کاروان زد به خدا گفتم خدایا مارو بخاطر ابولحسن خرقانی نجات بده ، اصلا از لحظه ای که گفتم دور من یه حفاظی بوجود اومد من احساس کردم هیچ کسی منو نمیبینه ، بخاطر همین همه چیزم امن و سالم موند.

برای تمام اهل کاروان سوال ؟ که چرا این اتفاق افتاد..!!؟؟

ما خدارو بخاطر خودش قسم دادیم مارو حفظ نکرد این یه دونه خدارو به ابولحسن خرقانی قسم داد خدا این رو حفظ کرد...

بلند میشن میان پیش ابولحسن خرقانی ازشون سوال میپرسند که چی شد؟؟

آقای ابولحسن خرقانی جوابشون اینه :

من خدایی که میپرستم یعنی اون خدایی که با ذهنم باورش دارم میزانی مصرف من از خدا فوق العاده زیاده ، قدرت خدا تو وجود من اومده.

و این شخص تا زمانی که توی حمله ی دزدها گفت خدایا منو به ابولحسن نجات بده من شنیدم صدای ابولحسن خرقانی رو و دعا کردم واسش که خدایا حفظش کن.

به محض اینکه من با قدرتی که از خدا میشناسم تقاضای کمک کردم ، خدا با قدرتی که من میشناسم او را حفظ کرد.

ولی شماها قدرت ذهنتون خدای ذهن شما کوچیکه ، خدای ذهن شما توانایی نداره ، بخاطر همین نتونست شمارو نجات بده .بچه ها خیلی حرف بزرگیه خیلی....

● هر آدمی به میزان قدرت خدا میتواند از قدرت او در زندگی اش استفاده کند .

من شاگرد داشتم شروع کرد به درس دادن ،همین دوره ثروت ایمان بعد به من میگه خانم جباری اومدن جلوی کار منو گرفتن ، از طرف حوزه چند نفر اومدن و به من گفتند این درس هایی که تو داری میدی از کجا اومده کی داره درس میده شما حق تدریس نداری..بعد منو بیکار کردن.

بعد خانم جباری شما این همه ساله داری تدریس میکنی با این همه شاگرد چجوری هیچ کس به شما گیر نمیده؟؟

جوابش : مال قدرت عقل و ناخودآگاهه..

شما زیاد نگران این بودی که مطالب من ، مدرک تحصیلی پشتش نیست ، این مطالب از کجا اومده؟؟ اگر به من گیر بدن چی ؟ و اون اتفاق و دریافت کردی..

من برعکس : من از بچگی زیاد تکرار میکردم که خدا بخواد کاری و واسه ادم بسازه میسازه ، از موقع شروع کلاس اینو تکرار کردم : من با حمایت خدا شروع کردم خدا به من دستور داده تو شروع کن من حمایت میکنم ، دارم حمایت میشم.

پیغمبر من اُمی بود ، درس نخونده بود ، ولی خدا یه جوری حمایتش کرد که الان ۱۴۰۰ سال از دین اسلام گذشته هنوز داره محبوب تر میشه ،

درسته تو کشور ما با مدرک تحصیلی کار میکنن، اما من با مدرک حمایت خدا دارم کار میکنم ، و چقدر قدرت حمایت خدایی که میبینم بخاطر تعقلم بیشتر ، میزان حمایتی که در جهان هستی میبینم بیشتر .

حالا یکی دیگه هی تکرار میکنه ایسانسه ها بیکارن ، ایسانسه ها هم بیکارن ، خودش مدرک تحصیلی خوب داره اما خودش هم بیکاره ، در اثر قدرت ناخودآگاهش ، پس تا میتونید با ذکر ها ذهن رو قدرتمند کنید..

بچه ها ، نتیجه و محصولی که هر آدمی در زندگی میگیره ، مبنی بر تلاش خودش و تکرار های خودشه .

شما روزانه هزار بار لاحول ولا قوه الا بالله العلی العظیم میگرد با توجه !!!؟

، عشقم تو باید میزان داراییت و حمایتی که از جهان میشی بیشتر از اون باشه که ۳۰ بار داره ذکر لاحول ولا قوه ... رو تکرار میکنه.

خب این که خیلی طبیعیه ، تو داری از معدن قدرت ناخودآگاهت ، قدرت تکرارها و تعقلت استفاده میکنی ،

زیاد داری استفاده میکنی ، اون یکی داره کم استفاده میکنه .

چند تا از مثال های بچه ها رو بخونیم

#ویس_موفقیت_عالیتر

توی فامیلش خیلی مطرح نبوده شروع کرده صبح به صبح ذکر یا عزیز ۴۱ مرتبه ، دست راست روی قلب ، به یکسال نشده محبوب فامیل شده.

□ موفقیت عالی تر با قدرت ذکر

ترس زیاد داره قبل خواب، یا مُعزُّ یا عزیز ، ۱۰۴ مرتبه قبل خواب میخونه بعد از ۴۰ روز حالش خیلی بهتره

□ موفقیت عالی تر با قدرت ذکر

شروع کرده مداومت آیت الکرسی بعد از هر نماز واجبش با توجه، هیچ حشره ای ، حیوونی بهش آسیب نمی رسونه.

□ موفقیت عالی تر با قدرت ذکر

خانمی شیرش برای بچه نوزادش کم بوده ، ذکر

لا حول ولا قوه الا بالله العلی العظیم، رو ۳۱ مرتبه میخونه و دست به سینه می کشه ، شیر عالی و فرزند قوی

□ موفقیت عالی تر با قدرت ذکر

خیلی گنجشک روزی بوده قبل رفتن از منزل به بیرون آیه ۳ و ۲ سوره طلاق ، سه آیه آخر حشر رو میخونه می گفته رزق آسون وسیع با برکت روزیم کن ، بعد ۷ سال الان مدیر یک مجموعه بزرگ شده

□ موفقیت عالی تر با قدرت ذکر

کار دادگاهی داشته فکر می کرده خیلی طول بکشه ، شروع میکنه ذکر یا میسر یا میسر رو زیاد خوندن ، تکرار کردن ، کارش خیلی آسون ردیف میشه

□ موفقیت عالی تر با قدرت ذکر

آیه ۳۵ نور رو به تمام غذاهاش با معنی میخونه ۷ ماهه برادر معتادش، خودش با پای خودش میره برای ترک

□ موفقیت عالی تر با قدرت ذکر

اسمش امیرسام بوده ، آدم بسیار باهوش ولی از هوشش بهره برداری نمیشده ، میزانی هم شرارت داشته ، اسمش رو تغییر میده میگذاره محمد ، محمد مشتق ذکر ، هم شرش کم میشه ، هم یه ایده عالی به ذهنش می رسه توی دانشگاه اجراییش میکنه ، الان از هوشش توی دانشگاه بسیار داره بهره برداری میکنه.

□ موفقیت عالی تر با قدرت ذکر

پدرش با قرآن برای گذاشتن اسمش استخاره میکنه مریم میاد ، مریم خدمتگذار خداست ، الان همه زندگیش رو این خانم وقف خدا کرده و یه آدم مطرح

□ موفقیت عالی تر با قدرت ذکر

حضرت رسول اسم دخترشون رو فاطمه گذاشتن و با ده تا اسم که همه مشتق از اذکار صداشون میکردن ، صدیقه، طاهره ، زکیه ، این خانم هم خودش هم فرزندان اثرگذارترین بانوی جهان و اثرگذارترین خانواده جهان رو داره

□ موفقیت عالی تر با قدرت ذکر

چرا تکرار می کنی همسری که می‌خواهم در جهان نیست برعکس، سفارش شدیم قبل از خوابان ۲۱ بار آیه ۷۴ سوره فرقان را بخوان برای ازدواج، نسل ویژه، فرزندان و همسری که نور چشمت باشند خودت بشوی الگو توی جهان.

□ خوب چرا به جای اینکه هی به لفظ شوخی می آیی تکرار می کنی کو بابا، کو همسر خوب کجا پیدا میشود؟ به جای اینکه این را هی تکرار بکنیم معکوس، بیا آیه ۷۴ سوره فرقان را مرتب تکرار کن تو تنگنا قرار گرفتی نگران یکسری از چیزها هستی به جای اینکه هی به تنگنا و فشار و سختی فکر کنی ((ذکر یا فتاح)) را زیاد بگو بگذار ذهنت روی گشایش تکرار بزند به جای اینکه هی کلمه سختی، سختی، فشار، برعکس هی با کلمه هایت بگو *یا فتاح یا فتاح یا فتاح ای گشایش دهنده ای گشایش دهنده گشایش دهنده* تو نان ناخودآگاه خودت را داری میخوری. یک سری از کتابهای که داشتیم می خواندم دیدم بعضی جاها □ امام صادق گفتند یک متنی را توی جانمات بگذار یک متن روزی پنج شش بار آن را تکرار کن امام صادق، حالا این متن چه چیزی است؟ هر کسی مناسب حال خودش، یکی دعا می خواند یک نفر دعای مناجات شعبانیه میخواند یک نفر زیارت عاشورا میخواند یک نفر متن نقشه گنج ها را توی سجاده اش گذاشته روزی پنج بار دارد مرور می کنند برای این که عقلش قوی شود امام صادق به ایشان می‌گویند باریکلا ، احسنت

□ یک دفعه یارهای حضرت رسول می آیند و به حضرت رسول می گویند که چرا ما وقتی کنار شما هستیم تو جلسه درس شما سطح انرژی مان می رود بالا انقدر داغ می شویم بعد از کلاس درس که می‌آییم بیرون یواش یواش دوباره سطح انرژی مان می‌رود پایین و سرد می شویم؟؟ حضرت رسول جواب می دهند اگر شما میتوانستید انرژی اینجا را نگه دارید خودتان هر آینه مثل حضرت عیسی روی آب راه می‌رفتید یا علی قدرت ذهنت را نگاه کن پس خودت بتوانی قدرت ذهنت را نگهداری رو قدرت خدا، یواش یواش تو هم می شوی حضرت مسیح بچه ها خیلی حرف عجیبی است مثل حضرت عیسی رو آب راه می‌رویم اصلاً چیزی که تو دنیای امروز ما گم شده، ماها قدرت مدیریت خودمان را بلد نیستیم چه برسد قدرتی در این حد و اندازه، اصلاً گویا این میزان قدرت باورنکردنی است این میزان قدرت جزو خیال‌پردازی ها است آدم داستان هری پاتر را که نگاه می‌کند می‌گوید خوب این قصه است دیگر، بعد حضرت عیسی روی آب راه میرود و بعد این واقعی است، □ یا توی یک روایت دیگر داریم که حتی حضرت عیسی اگر قدرت ذهنیش قوی تر می شد روی هوا هم می توانست راه برود یا پیغمبر یعنی خود حضرت عیسی هم اگر قوی تر ذهنش را کنترل می کرد باز می توانست قدرت های عجیب الوقوع تر را به عرصه ظهور بکشاند، بچه ها ما حیرت انگیز هستیم و خدا مغزی را به ما داده وقعاً

عجیب، واقعاً باشکوه اما نمی‌دانم چرا از صبح تا شب ذهنمان را با حرف دیگران با اخبار با تلویزیون با شبکه های اجتماعی با چیزهایی که بهمان میرسد که اکثرش هم منفی هست و زور مغز را کم میکند خودمان اجازه می دهیم زور مغزمان کم بشود خودمان با توجه کردن به یک سری از اخبار اجازه می‌دهیم ناخودآگاه ما انقدر تکرارهای منفی را بشنود که وقتی می آید عقل کند دیگر زورش نمی رسد

▪ یعنی ما اگر بخواهیم ذهنمان را واقعاً بارور کنیم مرحله اولش این است که اصل نگهداری آقا منفی نگاه نکن اینقدر منفی گوش نکن چرا مدت زمان زیادی داری اخبار نگاه می کنی بعد هی داری به منفی های کشور نگاه می کنی چرا انقدر از صبح تا شب داری اخبار کرونا را پیگیری می کنی؟ بابا دو دقیقه پنج دقیقه تمام کن پس مرحله اول □ اخودت دنبال منفی نرو برای منفی هایی هم که به ذهنت می آید مرتب لا حول ولا قوة الا بالله العظیم قدرت خدا بزرگتر است خدا می تواند کمکم کند

اگر خودت خیلی آدم منفی بینی هستی مرتب به خودت تلقین بده منفی دیدن زور عقلم را کم میکند منفی نبین تا میتوانی مثبت ببین قدرت خدا بیشتر است منفی ها را رها کن مگر نعمت نمی خواهید پس منفی نبین مثبت نگاه کن پس مرحله اول شد تا میتوانی منفی نگاه نکن خانم جباری با منفی هایی که از اطرافیان به ما می رسد چه کار کنیم؟ فقط قرار است توی ذهنت نپذیری آن منفی را، من تو هاله انرژی خالقم هستم خالق من دارد من را حفظ می کند خالق من دارد من را کمک می کند این ها چون اینجوری نگاه می کنند این اتفاق برای شان می افتد من همیشه تو هاله حمایتی خالقم هستم خالقم یک جوری مرا دوست دارد و یک جوری دارد حمایت می کند و هوای من را دارد باور نکردنی، قدرتی غیر از قدرت خدا وجود ندارد پس مرحله یک منفی نگاه نکن منفی هایی را هم که از دیگران می آید سریع خودت توی ذهن خودت درستش کن اصلاً نمی خواهد به کلام بگویی تو ذهنت درستش کن مرحله دوم □ ۲ تا میتوانی مثبت های زندگیت را زیاد زیاد تکرار کن مرحله سوم □ ۳ زمان بگذار به قدرت خدا فکر کن مثلاً برای خودت بگذار روزی ۷۰۰ بار لا حول ولا قوة الا بالله العظیم سه تا که گفتم رویش یکم فکر کن، دوباره ۱۰ دقیقه بعد ۵ تا دیگر که گفتم رویش فکر کن، دوباره توی خیابان داری راه می روی ذکر را با خودت تکرار کن فکر کن این آدمی که دارد راه می رود و از کنار من رد شد به قدرت خدا رد شد خدا بهش اجازه نمی داد همین الان چند تا از رگهای مغزش به همدیگر تاب برمی داشت و الان فوت کرده بود به قدرت خدا این دارد راه می رود، ((این سه تا مرحله مرحله قوی شدن عقل بسیار بسیار مفید است)) راستی بچه ها سوال پرسیده بودند که وقتی ما بینیمان را عمل می کنیم شما توی جلسه گذشته گفتید که عمل کردن بینی یافک یکسری دنیا دوستی است یکسری منفی به آدم اضافه می کند که آن منفی ها یکسری عارضه دارند بله بچه ها اما توضیح این را به محض این که برسیم تو درس خلق صفت میتوانیم توضیح بدهیم یک سری از قوانین را پله پله درس می دهیم الان نمی شود همه قوانین را درس بدهیم صبر کنید صبر، این را تویی قانون خلق صفت انشاالله آموزشش می‌دهیم با هم دعای فرج را بخوانیم.